

## تکواژ جمع در زبان فارسی

دکتر علی درزی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

و آرزو معظمی

(از ص ۷۷ تا ۹۵)

### چکیده :

ما در این مقاله، با بررسی بعضی از جملات در زبان فارسی و با استفاده از نظرات زبان‌شناسان، ابتدا وجود گروه شمار (number phrase) را در گروه تعریف (DP) زبان فارسی ثابت می‌کنیم و سپس نشان می‌دهیم که جایگاه تکواژ جمع در زبان فارسی نیز مانند دیگر زبان‌ها، هسته گروه‌شمار است. سپس ضمن بررسی ویژگیهای تکواژ جمع در زبان فارسی، ثابت می‌کنیم که ظاهر نشدن اعداد بیش از یک با اسم‌های دارای تکواژ جمع در این زبان (برخلاف زبانهای دیگر) به دلیل ویژگیهای خاص تکواژ جمع در زبان فارسی است.

**واژه‌های کلیدی:** تکواژ جمع، گروه‌شمار، گروه‌های نقشی، گروه تعریف.

## مقدمه :

جایگاه تکواژ جمع در بیشتر زبانها گروه شمار (number phrase) است. این گروه یکی از گروه‌های نقشی (functional groups) است که در زبانهای مختلف، نقش‌های متفاوتی را ایفا می‌کند. گروه‌های نقشی اولین بار توسط چامسکی (۱۹۸۶b) معرفی شدند و پس از آن موضوع بررسی بسیاری از زبانشناسان بوده‌اند. ویژگیهای تکواژ جمع نیز در زبانهای مختلف، متفاوت است. ویژگیهای خاص تکواژ جمع در زبان فارسی موجب بروز رفتارهای خاصی در گروه‌های اسمی همراه با این تکواژ می‌شود.

ما در این مقاله نشان می‌دهیم که جایگاه تکواژ جمع در زبان فارسی نیز (مانند بیشتر زبانها) هسته گروه شمار است. سپس با توجه به ویژگیهای تکواژ جمع در زبان فارسی و تأثیر آن بر گروه‌های اسمی که با این تکواژ همراه می‌شوند به توجیه بعضی از رفتارهای خاص گروه‌های اسمی در این زبان می‌پردازیم.

## گروه شمار :

بعد از معرفی گروه‌های نقشی مربوط به گروه فعلی توسط چامسکی (۱۹۸۶b)، ابنی (۱۹۸۷) با بررسی گروه‌های اسمی و ارائه‌ی شواهد نظری و تجربی فراوانی ثابت می‌کند که گروه‌های اسمی، خود درون گروه نقشی دیگری به نام گروه تعریف (DP) قرار دارند که در هسته آن عناصر تعریف (عناصری که موجب معرفه یا نکره شدن اسم می‌شوند، مانند 'The' در زبان انگلیسی) جای می‌گیرند. به عبارت دیگر گروه تعریف فرافکنی بزرگتر و دربردارنده گروه اسمی است.

پس از مطرح شدن گروه تعریف، زبانشناسان با استفاده از ویژگیهای عناصری که در آن، بعد یا قبل از اسم قرار می‌گیرند و نیز عناصری که اسم را به گونه‌ای تعریف می‌کنند، فرافکن‌های نقشی مختلفی را در این گروه معرفی کردند.

گروه شمار از گروه‌هایی است که در زبانهای مختلف، موضوع بحث و بررسی

بسیاری از زبان‌شناسان بوده است. از نظر چامسکی (۱۹۹۵) ویژگی شمار یک ویژگی انتخابی است که یا قبل از وارد شدن به ساختها به اسم اضافه می‌شود یا از طریق تشکیل یک فرافکن نقشی جداگانه، وارد ساخت نحوی می‌شود.

در سال‌های اخیر، تقریباً بیشتر زبان‌شناسان برای ویژگی شمار یک فرافکن بیشینه جداگانه در نظر گرفته‌اند زیرا شواهد نحوی و ساختوازی فراوانی برای وجود این مقوله در دست است و نیز گروه‌شمار در گروه تعریف (مانند گروه "زمان دستوری" (tense) در عبارات)، نقش مهمی را در تفسیر و مجاز کردن گروه اسمی ایفا می‌کند (برنشتین، ۲۰۰۱).

ریتر (۱۹۹۱) نشان می‌دهد که وجود یک فرافکن نقشی جداگانه در گروه تعریف، رابطه ساختاری پیچیده‌ی بعضی عناصر را در زبان عبری توجیه می‌کند. چینکوئه (۱۹۹۴) نیز هسته فرافکن شمار را در برخی از زبانهای گروه رومیایی، جایگاه مناسبی برای بعضی از اسم‌ها که تنها قسمتی از آنها دستخوش حرکت می‌شوند، می‌داند و فویوس پاناگیوتیدس (۲۰۰۲ و ۲۰۰۰b) وجود فرافکن شمار را در زبان یونانی برای توجیه جایگاه صفات اشاره (demonstratives)، ضروری می‌داند.

اکنون بعد از آشنایی با فرافکن شمار، به بررسی این گروه در زبان فارسی می‌پردازیم. بدین ترتیب که پس از معرفی نظرات قمشی (۲۰۰۳ و ۱۹۹۶) در این مورد نشان می‌دهیم که برخلاف نظر وی با قائل شدن به گروه شمار در گروه تعریف زبان فارسی داده‌های این زبان بهتر توجیه می‌شوند و بنابراین ثابت می‌کنیم که جایگاه تکواژ جمع در زبان فارسی نیز گروه‌شمار است. سپس با استفاده از نظرات سمیعان (۱۹۸۳) و قمشی (۲۰۰۳) در مورد ویژگیهای تکواژ جمع در زبان فارسی نشان می‌دهیم که ظاهر شدن اعداد بیش از یک با اسم‌های مفرد (به جای اسم دارای نشانه جمع) در این زبان به دلیل عدم حضور گروه‌شمار در این زبان نبوده، بلکه تنها مربوط به ویژگیهای خاص تکواژ جمع در این زبان است.

### تکواژ جمع و جایگاه آن در زبان فارسی :

در زبان فارسی دو تکواژ جمع وجود دارد که عبارتند از: "ha-" و "an-" که اولی کاربرد بیشتری داشته و دومی عمدتاً در فارسی نوشتاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازار (۱۹۹۲) تکواژ "an-" را مختص اسمهای مربوط به جانداران می‌داند (مانند مردان، زنان و اسبان)، اما فارسی‌زبانان از این تکواژ برای جمع بستن بسیاری از اسمهای مربوط به غیرجانداران نیز استفاده می‌کنند، مانند: "درختان". بسیاری از کلمات نیز که از زبان عربی به زبان فارسی وارد شده‌اند، براساس قوانین جمع عربی، جمع بسته می‌شوند مانند: "معلمین" و "حیوانات". البته این قوانین حتی، گاهی برای ساختن صورت جمع کلمات فارسی نیز بکار می‌روند. در این مقاله، ما تنها به تکواژ جمع: "ha-" اشاره می‌کنیم، اما تمامی تحلیل‌ها و مسائل مربوط به این تکواژ در مورد تکواژ "an-" و حتی تکواژهای جمع دخیل در فارسی نیز صدق می‌کنند.

قمشی (۱۹۹۶) با استفاده از معیار آوایی تکیه بر بودن تکواژ جمع و در نظر گرفتن آن به عنوان یک تکواژ سطح کلمه (از نظر ساختوازی)، این تکواژ را یک تکواژ اشتقاقی معرفی می‌کند. وی سپس با استفاده از این فرضیه که تنها دسته خاصی از تکواژهای صرفی در نحو قابلیت فرافکنی داشته و می‌توانند گروه نقشی جداگانه‌ای را تشکیل دهند، فرافکن جداگانه‌ای برای تکواژ جمع در زبان فارسی در نظر نمی‌گیرد و این تکواژ را مربوط به واژگان می‌داند. به عبارت دیگر از نظر قمشی (۱۹۹۶) اسم‌ها به صورت جمع و مفرد در واژگان وجود داشته و به همان شکل وارد ساختهای نحوی می‌شوند.

اکنون با توجه به بعضی از جملات در زبان فارسی نشان می‌دهیم که با قائل شدن به فرافکنی تکواژ جمع و در نظر گرفتن یک گروه جداگانه برای آن در زبان فارسی به تحلیل بهتری برای بعضی از جملات در این زبان دست می‌یابیم. مثلاً در جمله‌های زیر می‌بینیم که تکواژ جمع علاوه بر اسمها، گاهی با صفات توصیفی،

تفضیلی و اشاره نیز همراه می‌شود:

۱- الف - سیب‌های قرمز را جدا کن.

ب - قرمزها را جدا کند.

۲- الف - سیب‌های درشت‌تر را بردار.

ب - درشت‌ترها را بردار.

۳- الف - این کتاب‌ها را خواندم.

ب - این‌ها را خواندم.

برای جملات الف، از مثال‌های بالا می‌بینیم که صفت‌ها با اسمی که تکواژ جمع گرفته، همراه شده‌اند، اما در جملات ب، خود این عناصر با تکواژ جمع همراه هستند.

با پذیرفتن فرضیه قمشی (۱۹۹۶) مبنی بر وجود اسم‌ها به صورت جمع و مفرد در واژگان فارسی، یا باید صفات بالا را نیز به عنوان اسم در نظر بگیریم (زیرا تکواژ جمع مختص اسمها است) و یا قبول کنیم که صفت‌ها نیز در واژگان به صورت جمع و مفرد هستند و به همان ترتیب وارد ساختهای نحوی می‌شوند.

بعضی از دستورنویسان سنتی نیز صفت‌های مذکور را دارای ویژگیهای اسمی دانسته و معتقدند که این صفت‌ها در جملاتی مانند جملات بالا در جایگاه اسم قرار گرفته‌اند. اکنون با استفاده از آزمون‌های سازه‌ای باید ببینیم که آیا این صفت‌ها واقعاً دارای ویژگیهای اسمی هستند یا خیر.

در بسیاری از زبانها تکواژهای خاصی همواره به همراه واژه متعلق به مقوله نحوی خاصی در صورتهای زبانی ظاهر می‌شوند و بدین ترتیب ملاک خوبی برای تشخیص مقوله عناصر همراه با آنها محسوب می‌شوند. به عنوان مثال در زبان فارسی تکواژ یای نکره 'i' همیشه با اسمها و قید 'خیلی' همواره با صفت‌ها یا قیده‌های دیگری همراه می‌شوند. تکواژ 'تر' نیز که صفت تفضیلی با آن ساخته می‌شود فقط به صفت‌ها اضافه می‌شود. با توجه به جملات ۳ و ۲ و ۱ می‌بینیم که

نه تنها نمی‌توانیم یای نکره را به صفت‌هایی که در این جملات با تکواژ جمع همراه شده‌اند اضافه کنیم، بلکه حضور قید 'خیلی' نیز قبل از صفات مذکور خدشه‌ای به دستوری بودن جملات وارد نمی‌کند. چنانچه در جملات زیر می‌بینیم:

۴- \*الف) قرمزی‌ها را جداکن.

ب) خیلی قرمزها را جداکن.

۵- الف) درشت‌ترها را بردار.

ب) خیلی درشت‌ترها را بردار.

۶- \*الف) اینهایی را خواندم.

\*ب) خیلی اینها را خواندم.

با توجه به اینکه تکواژ یای نکره را نمی‌توانیم با این صفت‌ها بکار ببریم و در ضمن قید 'خیلی' نیز که همواره با صفت‌ها ظاهر می‌شوند در این موارد نیز کاربرد دارند و وجود پسوند 'تر' نیز در مورد صفت توصیفی جمله ۴، جمله‌ای دستوری می‌سازد، باید بگوییم که نمی‌توانیم این صفت‌ها را به عنوان اسم در نظر بگیریم حتی زمانی که با 'ha-' جمع ظاهر می‌شوند.

دسته دیگری از جملات در زبان فارسی هستند که بدون در نظر گرفتن یک گروه شمار جداگانه در گروه تعریف زبان فارسی، قابل توجیه نیستند. با دقت در جملات ۸ و ۷ متوجه ابهام معنایی آنها می‌شویم. جملات ۷ و ۸ میان دو معنی 'پیراهن و شلووارها'، 'کتاب و دفترها' و 'پیراهن‌ها و شلووارها'، 'کتاب‌ها و دفترها' ابهام دارند.

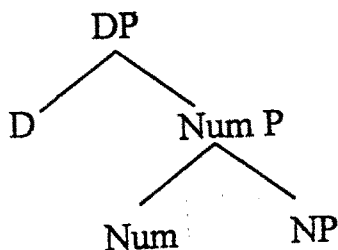
۷- پیراهن و شلووارها را دوختم.

۸- کتاب و دفترها را در قفسه گذاشتم.

براساس نظر قمشی (۱۹۹۶) اگر اسم‌ها به صورت جمع و مفرد در واژگان وجود داشته باشند، توجیهی برای ابهام معنایی جملات بالا وجود ندارد. زیرا اسم‌های اول (پیراهن و کتاب) به شکل مفرد و اسم‌های دوم (شلوارها و دفترها) به شکل جمع وارد ساخت این جملات شده‌اند و در نظر گرفتن معنای جمع برای آنها، طبق معنی دومی که

برای آنها در نظر گرفتیم، توجیهی ندارد. حال باید ببینیم که در نظر گرفتن یک گروه شمار در گروه تعریف زبان فارسی چه کمکی به تحلیل این جملات می‌کند.

فویوس پاناگوتیدس (۲۰۰۲) و بسیاری از زبان‌شناسان دیگر ساخت زیر را برای گروه تعریف با توجه به جایگاه گروه شمار ارائه می‌دهند.  
 ۹- نمودار مربوط به گروه تعریف



(پاناگوتیدس ۲۰۰۲، ص ۳۵)

وی سپس با توجه به آنکه جایگاه تمامی ضمائر را هسته گروه تعریف (D) در نظر می‌گیرد، معتقد است که ضمائر چه با متمم اسمی همراه باشند مانند جمله ۱۰ و چه بدون آن مانند جمله ۱۱ ساخت درونی یکسانی دارند. به عبارت دیگر برخلاف نظر ابنی (۱۹۸۷) که معتقد بود ضمائر (به عنوان هسته گروه تعریف) گاه با متمم ظاهر می‌شوند (جمله ۱۰) و گاه بدون متمم (جمله ۱۱)، پاناگوتیدس (۲۰۰۲) ساخت واحدی را برای تمامی ضمائر ارائه می‌دهد.

10- [DP We Linguists} tend to be quail parsimonious.

11- [DP We] tend to be quail porimonious.

(پاناگوتیدس ۲۰۰۳، ص ۱۶)

پاناگوتیدس (۲۰۰۲) معتقد است که هسته‌های گروه‌های نقشی همواره وابسته به هسته‌های واژگانی هستند و سپس با توجه به این موضوع و اصل زیر که اجباری بودن انتخاب متمم را نشان می‌دهد عنوان می‌کند که ضمائر همیشه با متمم ظاهر می‌شوند، چه این متمم ظاهراً در ساخت جمله ظاهر شود و چه در جمله حضور

نداشته باشد.

-انتخاب اجباری است: اگر  $x$  بتواند  $y$  را انتخاب کند، پس  $x$  باید  $y$  را انتخاب کند (پاناگیوتیدس ۲۰۰۳، ص ۱۶).

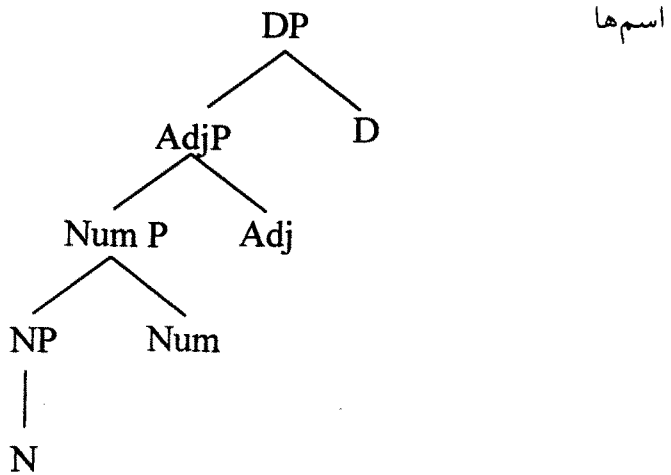
بدین ترتیب پاناگیوتیدس ضمائر راحتی در جمله‌هایی مانند جمله ۱۱ دارای متمم اسمی می‌داند، اما به اعتقاد او در این موارد جایگاه متمم اسمی را یک اسم تهی ( $e_n$ ) پرکرده است. از نظر پاناگیوتیدس تمامی گروه‌های تعریف که دارای چنین اسم تهی هستند در واقع نوعی متغیرهای معنایی (semantic variables) به شمار می‌آیند که برای تعیین مرجع آنها باید از ویژگیهایی که بر روی هسته‌های درون آن (مثلاً ویژگی جمع و مفرد بودن که در هسته شمار است یا محدودیتی که توسط توصیف صفت‌ها و هسته گروه تعریف از نظر معرفه یا نکره بودن آن) است، استفاده کرد.

در اینجا ما نیز به پیروی از پاناگیوتیدس با در نظر گرفتن گروه شمار در گروه تعریف جمله‌های زبان فارسی و قائل شدن به وجود یک اسم تهی در جایگاه هسته گروه اسمی درون آن به تحلیل جمله‌های مذکور می‌پردازیم و می‌بینیم که با استفاده از این تحلیل هیچ مشکلی در رابطه با توجیه ظاهر شدن صفت‌ها با تکواژ جمع 'ha-' در جمله‌های ۳ و ۲ و ۱ و ابهام معنایی جمله‌های ۸ و ۷ نخواهیم داشت. برای ارائه ساخت مناسب برای این جمله‌ها باید جایگاه صفت‌ها نیز در گروه تعریف زبان فارسی مشخص باشد. در اینجا ما برای تعیین جایگاه صفت‌ها از نظریه کهنمویی پور (۲۰۰۳) مبنی بر آنکه جایگاه اسم‌ها بعد از صفت‌ها است استفاده می‌کنیم. با این تفاوت که او صفت‌ها و اسم‌ها را بر اساس نظر قمشی (۱۹۹۶) هسته در نظر می‌گیرد ولی در ساخت ما اسم‌ها و صفت‌ها در فرافکن‌های بیشینه مربوط به خود قرار دارند (توضیح کامل جایگاه صفت‌ها و اسم‌ها و هسته یا فرافکن بیشینه بودن آنها در مقاله بعدی نگارنده در مورد ساخت حوزه کسره اضافه بزودی ارائه خواهد شد). در مورد صفات اشاره نیز باید بگوییم بعضی از زبان‌شناسان مانند گیستی (۱۹۹۵) فرافکن‌های جداگانه‌ای برای آنها در نظر می‌گیرند، اما بعضی دیگر



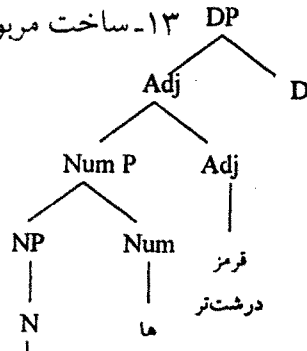
مانند پاناگیوتیدس (۲۰۰۰b و ۲۰۰۲) این صفات را در هسته گروه تعریف قرار می‌دهند. تعیین جایگاه این نوع صفات (یا ضمائر) خود نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد، اما فعلاً برای ارائه یک ساخت مناسب و تحلیل جمله‌های مذکور به پیروی از پاناگیوتیدس جایگاه صفات اشاره را در هسته گروه تعریف قرار می‌دهیم. بدین ترتیب ساخت گروه تعریف در زبان فارسی به صورت زیر است:

۱۲- ساخت گروه تعریف در زبان فارسی با توجه به جایگاه صفت‌ها و

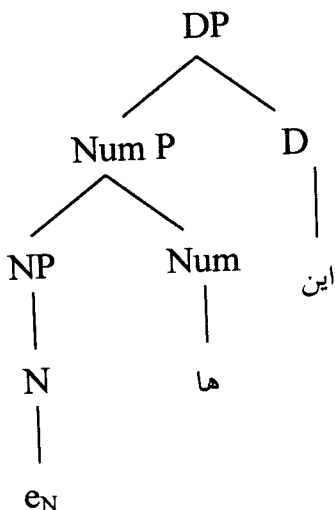


اکنون با توجه به ساخت بالا و تحلیل پاناگیوتیدس (۲۰۰۲) به تحلیل جمله‌های مورد سؤال زبان فارسی می‌پردازیم. گفتیم که در این جملات یک اسم تهی در جایگاه اسم قرار دارد. بدین ترتیب ساخت مربوط به جمله‌های ۱ و ۲ به صورت ساخت ۱۳ و ساخت جمله ۳، ساخت شماره ۱۴ است.

۱۳- ساخت مربوط به جمله‌های ۱ و ۲



## ۱۴- ساخت مربوط به جمله ۳

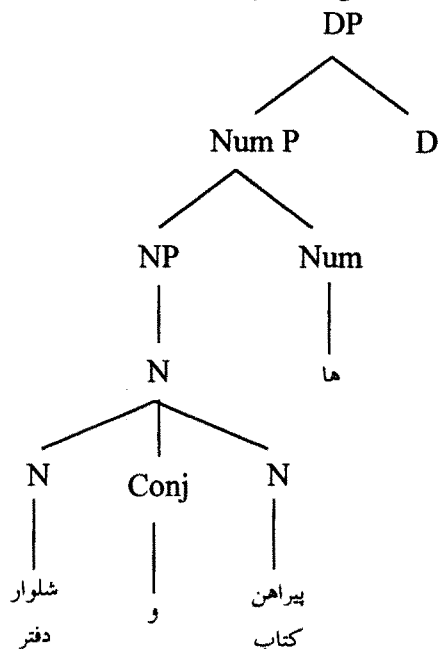


با توجه به این ساخت‌ها باید بگوییم متغیر معنایی، ما در جمله‌های ۱ و ۲ توسط صفت‌های 'قرمز و درشت‌تر و ویژگی جمع مربوط به تکواژ '-ha' و متغیر جمله ۳ توسط ویژگی معرفه بودن عنصر 'این' و ویژگی جمع تکواژ '-ha' محدود شده است. اکنون با توجه به این ساختها همه چیز روشن است، زیرا 'ha' یک 'وند' (affix) بوده و نیاز به یک میزبان دارد و از طرف دیگر گفتیم که هسته‌های گروه‌های نقشی نیز معمولاً با هسته یک گروه واژگانی همراه می‌شوند (باناگوتیدس ۲۰۰۲) بنابراین در صورتی که اسم تهی در جایگاه متمم این تکواژ باشد، تکواژ جمع مجبور است عنصر دیگری را به عنوان میزبان خود انتخاب کند که در این صورت صفت‌های توصیفی و تفضیلی در ساخت ۱۳ و صفت اشاره (ضمیر اشاره) در ساخت ۱۴ میزبان‌های مناسبی برای آن هستند. پس می‌بینیم که وجود گروه شمار برای تحلیل

جمله‌های ۳ و ۲ و ۱ ضروری است.

در رابطه با جمله‌های ۷ و ۸ نیز دیدیم که ابهام معنایی این جملات با توجه به نظر قمشی (۱۹۹۶) قابل توجیه نیست. زیرا همانطور که گفتیم از نظر او کلمات به شکل مفرد و جمع در واژگان وجود داشته و به همان صورت وارد ساختها می‌شوند. پس هیچ توجیهی برای معناهای 'پیراهن‌ها و شلووارها' و 'کتاب‌ها و دفترها' در مورد جملات ۷ و ۸ وجود ندارد، چون اسم‌های 'پیراهن' و 'کتاب' به شکل مفرد وارد ساخت شده‌اند و به صورت مفرد نیز باید تعبیر شوند. اکنون می‌بینیم که با در نظر گرفتن گروه شمار دو ساخت متفاوت را می‌توانیم برای هریک از معانی این جملات ارائه دهیم و نشان دهیم که ابهام این جمله‌ها در واقع نوعی ابهام ساختاری است. ساخت شماره ۱۵ نشان می‌دهد که معنای اول این جملات یعنی 'پیراهن‌ها و شلووارها' و 'کتاب‌ها و دفترها' به این دلیل است که دو اسم مربوطه در زیرهسته اسمی در گروه تعریف با یکدیگر هم پایه شده‌اند و گروه شمار، نقش جمع کردن مجموعه این دو اسم را ایفا می‌کند. اما چون تکواژ جمع ظاهراً روی اسم دوم قرار گرفته است به نظر می‌رسد که فقط اسم دوم جمع شده است.

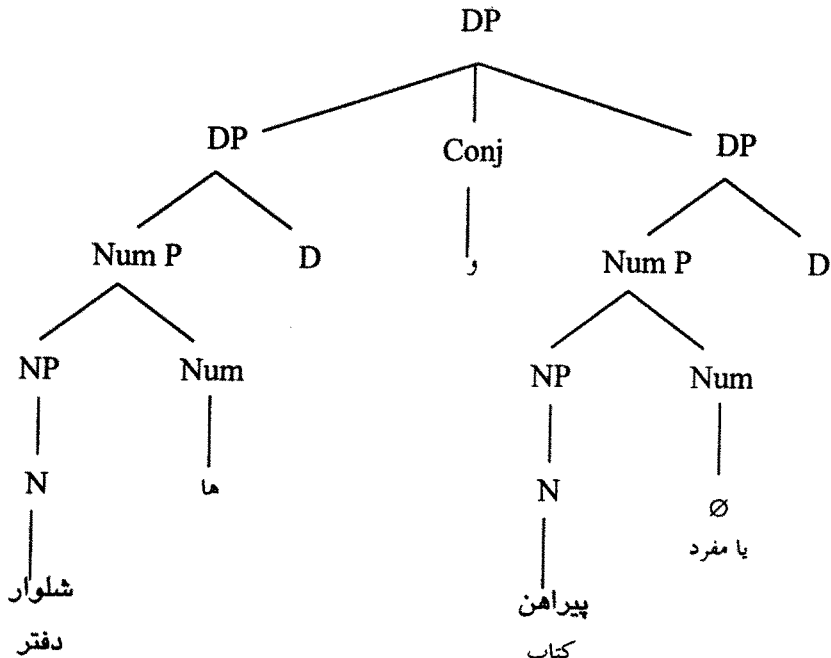
۱۵- ساخت مربوط به معنی 'پیراهن‌ها و شلووارها' و 'کتاب‌ها و دفترها'



در مورد معنای دوم جمله یعنی 'پیراهن و شلووارها' و 'کتابها و دفترها' ساخت ۱۶ به ما نشان می‌دهد که در اینجا دو گروه تعریف جداگانه با هم، هم‌پایه شده‌اند و گروه شمار در دومی جمع است یا تکواژ '-ha' را درون خود دارد. اما در گروه تعریف اسم‌های اول گروه شمار خالی است یا ویژگی 'مفرد' را درون خود دارد و بدین ترتیب یک اسم مفرد با یک اسم جمع هم‌پایه شده است.

بدین ترتیب دیدیم که در نظر گرفتن گروه شمار در گروه تعریف زبان فارسی برای تحلیل داده‌های این زبان ضروری است. از طرف دیگر هماهنگی میان عناصر در گروه‌های مختلف زبانها و نبودن استثناء در میان آنها اهمیت زیادی در ارائه تعمیم‌های میانی زبانی خواهد داشت.

۱۶- ساخت مربوط به معنی 'پیراهن و شلووارها' و 'کتابها و دفترها'



اکنون که جایگاه تکواژ جمع را هسته گروه شمار در نظر گرفتیم، باید ببینیم این

تکواژ چه ویژگی‌هایی داشته و این ویژگی‌ها چه تأثیری بر ظاهر نشدن اعداد بیش از یک با اسم همراه با تکواژ جمع دارد.

ویژگی‌های تکواژ جمع و تأثیر آن بر ظاهر نشدن اسم‌های جمع با اعداد: در زبان فارسی برخلاف بیشتر زبان‌ها (مانند زبان انگلیسی) اعداد بیش از یک همواره با اسم‌های مفرد همراه می‌شوند و اگر اسم همراه با تکواژ جمع در این ساخت‌ها ظاهر شوند، جمله را غیردستوری می‌کنند مانند جمله‌های زیر:

۱۷- دو تا کتاب خریدم.

۱۸- \* دو تا کتاب‌ها خریدم.

در این بخش بعد از بررسی ویژگی‌های تکواژ جمع در زبان فارسی، نشان می‌دهیم که علت این رفتار گروه‌های اسمی در رابطه با اعداد، ویژگی‌های خاص تکواژ جمع در این زبان است.

سمیعیان (۱۹۸۳) تکواژ جمع 'ha-' را در زبان فارسی و نیز پسوند 'e-' را در فارسی گفتاری، پسوندهای معرفه‌ساز اسم معرفی می‌کند. از نظر او پسوند 'e-' برای اسم‌های مفرد و پسوند 'ha-' برای اسم‌های جمع نقش معرفه‌ساز دارند. او سپس اضافه می‌کند زمانی که 'ha-' بعد از یک هسته اسمی که با کسره اضافه به یک توصیف‌کننده اسمی یا صفتی مربوط شده، قرار گیرد، این پسوند تنها نشانه جمع بوده و نقشی در معرفه کردن اسم ندارد.

قمشی (۲۰۰۳) با ارائه‌ی مثال‌های زیر نشان می‌دهد که در زبان فارسی هرگاه اسمی در جایگاه مفعول تنها با تکواژ جمع همراه باشد (به عبارت دیگر تکواژ یای نکره را نیز با خود نداشته باشد) این اسم مانند اسم‌های خاص و ضمائر (که هر دو معرفه هستند) همواره با تکواژ 'را' ظاهر می‌شود.

۱۹- ژیان\* (را) دیدم. ۲۰- تو\* (را) دیدم. ۲۱- کتابها\* (را) خواندم.

از آنجا که قمشی (۲۰۰۳ و ۱۹۹۷) تکواژ 'را' را نشانه معرفه بودن اسم‌ها در جایگاه مفعول می‌داند، ظاهر شدن اسم‌های دارای تکواژ جمع را با 'را' (در جایگاه مفعول) را نشانه معرفه بودن چنین اسم‌هایی در نظر می‌گیرد و این نوع اسم‌ها را معرفه می‌داند.

بدین ترتیب قمشی (۲۰۰۳) نتیجه می‌گیرد که تکواژ جمع علاوه بر جمع کردن اسم نقش معرفه کردن آن را نیز بر عهده دارد. وی سپس دو ساخت زیر را ساختهای ممکن برای گروه‌های اسمی همراه با تکواژ جمع معرفی می‌کند. همانطور که می‌بینیم در این ساختها جایگاه اسم‌های همراه با تکواژ جمع (در حالیکه هیچ عنصر دیگری با این اسم همراه نباشد) متمم هسته گروه تعریف (قمشی ۲۰۰۳ و ۱۹۹۶) عنصر معرفه کننده اسم‌ها در زبان فارسی را یک عنصر تهی  $\phi$  می‌داند (یا خود هسته گروه تعریف است).

22- {DP[NPN-pL]  $\phi$  DEF}

23- {DP[D<sub>N</sub>-PI]}

(قمشی ۲۰۰۳، ص ۴۲)

پس تاکنون دیدیم که نقش تکواژ جمع، جمع کردن و معرفه کردن اسم است. حال باید ببینیم نقش تکواژ جمع چه تأثیری بر ظاهر نشدن اسم‌های همراه با تکواژ جمع با اعداد بیش از یک دارد. در نظریه کمینگی جایگاه چک شدن ویژگی‌های مشخص، معرفه و نکره بودن اسم، گروه تعریف است. بنابراین باید بگوییم که هر اسمی که دارای چنین ویژگی‌هایی باشد باید به این گروه رفته تا آن‌ها را چک کند. چینگوئه (۱۹۹۴) حرکت به بالاترین گروه نقشی (DP) را حرکتی جهانی می‌داند که در تمامی زبان‌ها صورت می‌گیرد. وی تنها تفاوت زبان‌ها در این مورد را جایگاه اسم در بخش صورت‌آوایی (PF) می‌داند. از نظر او در بعضی زبان‌ها، این حرکت آشکارا و در نحو انجام می‌شود. به عبارت دیگر هسته اسمی در بخش صورت‌آوایی در جایگاه هسته گروه تعریف ظاهر می‌شود. اما در بعضی زبان‌ها، این

حرکت تنها در بخش صورت معنایی (LF) صورت گرفته و اسم در بخش صورت آوایی در جایگاه اولیه خود باقی می ماند مانند زبان چک و انگلیسی. در بعضی زبان های دیگر نیز مانند تعدادی از زبان های رومیایی حرکت اسم در نحو کامل نمی شود یعنی اسم دستخوش حرکت شده اما در جایگاهی میان گروه اسمی و گروه تعریف متوقف می شود (چینکوئه ۱۹۹۴).

با توجه به ساخت های پیشنهادی قمشی (۲۰۰۳) برای اسم های دارای تکواژ جمع زبان فارسی می بینیم که این اسم ها در این ساخت ها یا در هسته گروه تعریف یا در جایگاه متمم یک هسته تعریف تهی قرار دارند.

همانطور که در ساخت شماره ۹ دیدیم، اسم در جایگاه هسته اسمی و در گروه اسمی قرار دارد. گفتیم اگر هسته گروه شمار نیز در این ساخت پر باشد و اسم ما با تکواژ جمع همراه شود، این اسم دارای ویژگی [+def] شده و باید به گروه تعریف حرکت کند. در ساخت پیشنهادی قمشی (۲۰۰۳) نیز دیدیم که جایگاه این اسمها در گروه تعریف است اما در ساخت پیشنهادی ما گروه تعریف جایگاه نهایی اسم همراه با تکواژ جمع است. بدین ترتیب چون از ابتدا نمی توانیم اسم دارای تکواژ جمع را در جایگاه هسته گروه تعریف یا متمم آن تولید کنیم باید بگوییم اسم در این ساختها از جایگاه اصلی خود حرکت کرده و به این جایگاه رفته است.

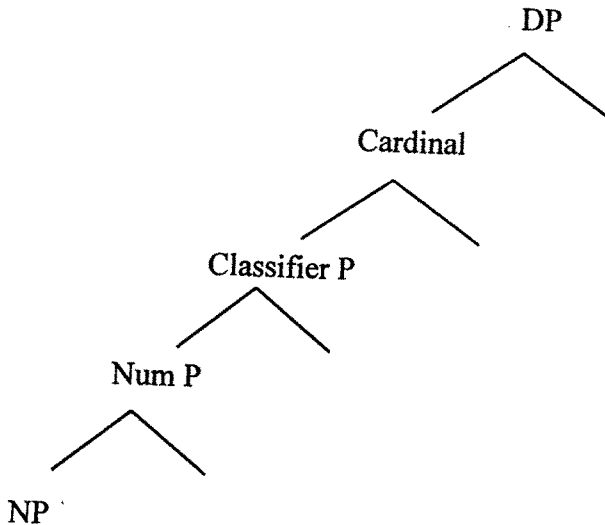
کهنمویی پور (۲۰۰۳) نیز در تحلیل حوزه کسره اضافه در زبان فارسی قائل به حرکت اسم از جایگاه اولیه خود می شود و از نظر وی جایگاه روساختی اسمها در زبان فارسی نتیجه حرکت هسته اسمی است.

بنابراین باید بگوییم در تقسیم بندی چینکوئه (۱۹۹۴) زبان فارسی جزء زبانهایی است که حرکت اسم در آن آشکارا (در نحو) انجام می شود. به عبارت دیگر ویژگی معرفگی [+def] در زبان فارسی ویژگی قوی است که باید در رابطه خواهری چک شود و چک شدن ویژگی های قوی طبق نظر چامسکی (۱۹۹۵) باید قبل از رسیدن به بخش معنایی صورت گیرد زیرا در غیر این صورت دستگاه سقوط

(crash) می‌کند.

بیشتر زبان‌شناسان از جمله قمشی (۲۰۰۳) فرافکن‌های جداگانه‌ای برای اعداد و ممیزها در نظر گرفته‌اند. پس ساخت ۲۴ را برای گروه‌های اسمی که با اعداد و ممیز همراه هستند، در نظر می‌گیریم.

با توجه به این ساخت باید بگوییم هرگاه جایگاه عدد (و ممیز) در این ساخت پر باشد. اسم دارای تکواژ جمع نمی‌تواند در جایگاه گروه اسمی قرار ۲۴- ساخت گروه اسمی همراه با عدد و ممیز



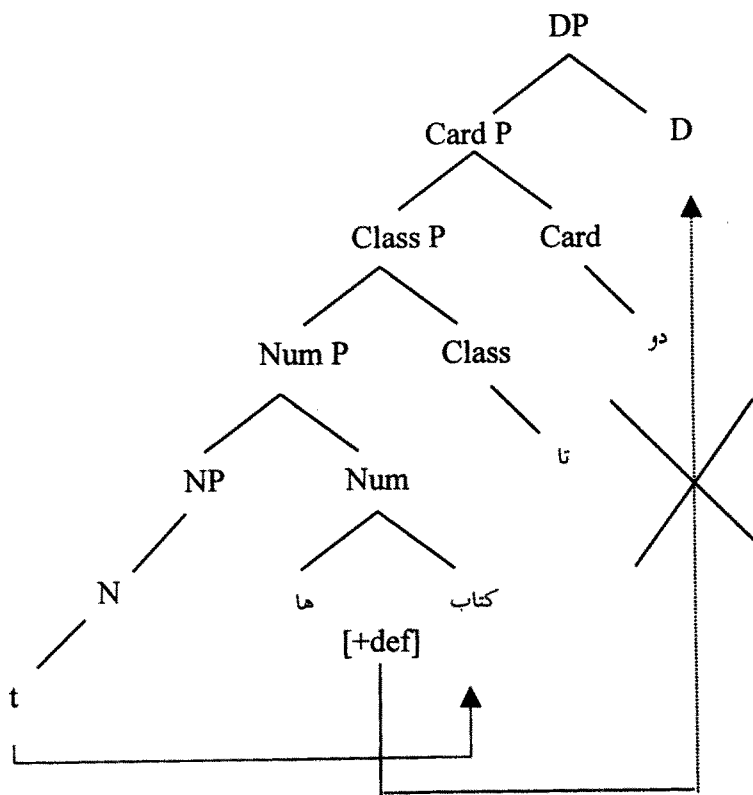
بگیرد، زیرا همانطور که گفتیم چنین اسمی یک ویژگی [+def] قوی دارد که برای چک کردن آن باید حرکت کرده و به حوزه DP برود. اورا (۲۰۰۰) (و بسیاری از زبان‌شناسان دیگر) هسته‌های پر شده فرافکن‌ها را موانعی بر سر راه حرکت عناصر می‌دانند. بدین ترتیب با توجه به ساخت زیر که مربوط به مثال ۱۸ است و در اینجا تکرار شده می‌بینیم که هسته اسمی با اتصال به تکواژ جمع دارای ویژگی [+def] قوی خواهد بود؛ اما پُر بودن هسته گروه ممیز و اعداد در این ساخت مانع حرکت اسم به سمت گروه تعریف شده است و با توجه به اینکه ویژگی قوی [+def] گروه



اسمی چک نشده باقی مانده، جمله غیردستوری شده است.  
 ۱۸-# دو تا کتاب‌ها خریدم.

ساخت شماره ۲۵، ساخت شماره ۱۸ را نشان می‌دهد. اما در این ساخت اگر اسم مفرد باشد، دیگر ویژگی معرفگی نداشته و لزومی برای حرکت آن به سمت گروه تعریف وجود ندارد.

۲۵- ساخت مربوط به جمله ۱۸.



در زبان انگلیسی نیز چون تکواژ جمع ویژگی خاصی به اسم نمی دهد پس نیازی به حرکت اسم به سوی گروه تعریف وجود ندارد. بدین ترتیب می بینیم که در این زبان اسم‌ها همیشه به صورت جمع با اعداد بیش از یک همراه می شوند، زیرا وجود اعداد (یا حتی ممیزها) مشکلی برای اسم‌های دارای تکواژ جمع ایجاد نمی کند.

26- I bought two books.

27- \* I bought two book.

بدین ترتیب در این بخش بعد از بررسی ویژگی های تکواژ جمع دیدیم که ویژگی خاص این تکواژ در زبان فارسی موجب می شود که اسم‌های دارای تکواژ جمع در این زبان نتوانند با اعداد بیش از یک همراه شوند.

#### نتیجه :

در این مقاله ثابت کردیم که گروه شمار در گروه تعریف زبان فارسی نیز مانند دیگر زبانها فرافکنی کرده و گروهی جداگانه در گروه تعریف تشکیل می دهد. سپس با قرار دادن یک اسم تهی در جایگاه متمم گروه شمار در زبان فارسی همراه شدن تکواژ جمع با بعضی از صفات را توجیه کردیم. در انتها با توجه به ویژگی های تکواژ جمع در زبان فارسی نشان دادیم که چرا اعداد بیش از یک در این زبان نمی توانند (به جز موارد خاص) با اسم‌های همراه با تکواژ جمع ظاهر شوند.

#### منابع :

- 1- Abney, S.P. 1987. The English noun phrase in its sentential aspect. PhD Thesis. MIT.
- 2- Brenstein, JB. 2001 'The DP Hypothesis: Identifying clausal properties in the nominal domain. In the Handbook of contemporary syntactic theory. Baltin, M. Collins, C. (eds), 536-561, Blackwell

- publishing.
- 3- Chomsky, N. 1986b. *Barriers*. Cambridge, Mass: MIT Press.
  - 4- Chomsky, N. 1995. *The minimalist program*. Cambridge, Mass: MIT Press.
  - 5- Cinque, G. 1994. "On the evidence of partial N-movement in the Romance DP". In *Paths towards universal Grammar*. Cinque, Guglielmo et al. (eds), 85-110. Washington D.C: Georgetown university press.
  - 6- Ghomeshi, J. 1996. *Projection and inflection: A study of Persian phrase structure*. PhD thesis. University of Toronto.
  - 7- Ghomeshi, J. 1997. "Topics in Persian VPS". *Lingua* 102: 133-167.
  - 8- Kahnemuyipour, A. 2003, "Persian Ezafe Construction Revisited: Evidence for modifier phrase", university of Toronto, Unpublished.
  - 9- Lazard, G. 1992. *A grammar of contemporary Persian*. English Translation. Costa Meca, CA. Mazda Publishers.
  - 10- Panagiotidis, P. 2000B. "Demonstrative determiners and operators: The case of Greek". *Lingu* 110: 717-742.
  - 11- Panagiotidis, P. 2002. *Pronouns, Clitics and Empty Nouns: "Pronominality" and licensing in syntax*. John Benjamins Publishing Co.
  - 12- Ritter, E. 1991. "Two functional categories in noun phrases: evidence from Modern Hebrew". In *perspectives on phrase structure: Heads and licensing*. [Syntax and semantics 25]. Rothstein, Susan (ed.), 37-62. San Diego: Academic press.
  - 13- Samian, V. 1983. *Structure of phrasal categories in Persian, an x-bar analysis*, PhD Thesis, UCLA.
  - 14- Ura, H. 2000. *Checking theory and Grammatical functions in universal grammar*. Oxford university press.

## **The Plural Morpheme in the Persian Language**

**Dr. Ali Darzi**

**Tehran University**

**Arezoo Mo'azzemi**

*In this research, it has been tried to survey certain Persian sentences and based on the linguists' ideas the existence of the number phrase in definition phrase in the Persian Language is demonstrated. Then it has been attempted to show that the position of the plural morpheme in Persian, quite similar to the other languages, is the core of the number phrase. Along with surveying the features of the plural morpheme in Persian the researchers try to prove that the numbers being more than one do not accompany the nouns having the plural morpheme in Persian and this process is due to the specific characteristics of the plural morpheme in Persian which is also contrary to some other languages.*

**Key words:** *plural morpheme, number phrase, functional phrases, definition phrase.*